

بازشناسی معیارمدار از تحولات ارکان رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز^۱

فضل‌الله فروغی

دانشیار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

امیر ایرانی*

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۶/۲۷)

چکیده

امروزه مخاطره‌آمیز بودن برخی از رفتارها و دغدغه تأمین امنیت و سلامت جامعه در مقابل آنها سبب شده است که تحت تأثیر دانش‌های نوینی از جمله دانش مخاطرات، در حقوق کیفری، تحولاتی در شیوه پیش‌بینی ارکان جرائم مرتبط به وجود آید. همه جرائم سه رکن مهم دارند؛ رکن قانونی (پیش‌بینی جرم عنوان مجرمانه در قانون)، رکن مادی (عناصری که توصیف‌کننده رفتار مجرمانه‌اند و تنها با آن شرایط است که جرم محقق می‌شود)، رکن معنوی (عناصر ناظر به وضعیت ذهنی و روانی مرتکب که به موجب آن‌ها می‌توان جرم را به مرتکب نسبت داد). قانونگذار برای هر جرم، اجزا و عناصر مختلفی را از این رفتارهای مجرمانه به رسمیت می‌شناسد و از این‌رو، هر جرمی با وجود ثابت بودن کلیت این سه رکن، اجزا و شرایط متفاوتی را ذیل این ارکان سه‌گانه دارا خواهد بود. با توجه به این ملاحظات، اخیراً قانونگذاران به دلیل حمایت حداکثری از ایمنی، سلامت و امنیت جامعه، گاه از اصول پذیرفته‌شده این ارکان در حقوق کیفری عدول می‌کند و این رویکرد را در راستای محافظت از جامعه در برابر مخاطرات موجه می‌داند. از این‌رو این پرسش اساسی مطرح می‌شود که قانونگذار با توجه به جرائمی که اخیراً در زمینه مقابله با مخاطرات ارتكابی جرم‌انگاری کرده، تا چه اندازه متحول شده است؟ به تعبیر دیگر جهت‌گیری تحول در اجزای ارکان سه‌گانه جرم چه تحولاتی داشته است؟ به‌موازات همین موضوع، در حقوق کیفری فرانسه و آلمان، جرم در معرض خطر قرار دادن افراد با پیش‌بینی رفتارهای دارای نتیجه احتمالی خطرناک، یکی از جرائم همسو با این دغدغه‌ها به رسمیت شناخته می‌شود؛ اما در حقوق کشورهای چون ایران، جرائم پراکنده‌ای با همین منطوق جرم‌انگاری می‌شوند. به‌علاوه، گسترش مصادیق نوین رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز و پیچیدگی برخاسته از فنی شدن حوزه‌های مرتبط با آنها، شناسایی جامع این جرائم را دشوار ساخته است. بیان ویژگی‌ها و جزئیات جرم به‌خطراندازی یا دیگر مصادیق مجرمانه با منطق مشابه، مستلزم پرداختن معیارمدار به آنهاست. از جمله این معیارها، توجه به ارکان رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز است. در این قالب عقلانیت‌گرایی در وضع مقررات کیفری نسبت به این رفتارها و اشتراک مساعی قوانین و آیین‌نامه‌ها در پیش‌بینی جامع جرائم و تخلفات پرخطر از جمله تحولات است. از طرفی نیز در قالب رکن مادی، گسترش جرم دانستن ترک فعل‌های مخاطره‌آمیز، تعیین شرایط منطقی در جهت احراز قریب‌الوقوع بودن خطر احتمالی رفتارها و نیز تعیین دقیق نوع اطلاق‌گرایی این گونه جرائم شایسته بررسی است. در رکن معنوی نیز گسترش جرائم مبتنی بر بی‌احتیاطی و اقبال قابل توجه قانونگذار به مفروض انگاشتن سوءنیت خاص و گاه نیاز نداشتن به اثبات آن مستلزم واکاوی است. در قالب پرداختن به این جرائم، می‌توان تشکیل حقوق کیفری مخاطره‌آمیزمدار را نوید داد که در عین تلاش در زمینه مقابله سریع و قدرتمند کیفری، سلامت و امنیت را به جامعه بازمی‌گرداند. این حقوق کیفری نوین کارکرد پیشگیرانه دارد؛ در این قالب که با پیش‌بینی رفتارهای مجرمانه درصدد بازدارندگی از ارتکاب یا سوق یافتن افراد جامعه به ارتکاب آنها برمی‌آید.

واژه‌های کلیدی: جرم، رفتار مخاطره‌آمیز، رکن قانونی، رکن مادی، رکن معنوی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری رفتارهای مخاطره‌آمیز" است.

Email: Irani_amir yahoo.com

* نویسنده مسئول

مقدمه

گسترش جوامع توأم با خطرهای مختلف، از جمله ویژگی‌های جوامع حال حاضر است؛ بر این موضوع در مطالعات مختلف جامعه‌شناختی تأکید شده است [۵]. اهمیت این موضوع تا بدان جاست که در یک تیتراژ جالب در روزنامه دلی تلگراف در سال ۲۰۰۰، اهمیت فراوان تأمین امنیت و سلامت در جوامع حال حاضر بیان شده است: «هشدار: شما با زنده بودن در معرض خطر مرگ هستید» [۲۹]. افزون بر آن، دانش نوین مخاطرات که در آن مواردی همچون آلودگی، زلزله، سیلاب، سونامی، آتش‌سوزی، سرطان، بیماری‌های تنفسی، اعتیاد و خشونت، به‌عنوان واقعیت زیستی - اجتماعی بررسی و کاوش می‌شود [۳۴]، خود اهمیت خاصی را برای تحلیل حقوقی جایگاهی که حقوق کیفری برای رفتارهای مخاطره‌آمیز به‌عنوان جرم قائل است نشان می‌دهد. بنابراین، به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان باید تلاشی فراگیر در زمینه کاهش این خطرپذیری اتخاذ شود^۲ و بدون شک مهم‌ترین وسیله، سیاست و رکن کنترل و مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز راهبرد حقوق کیفری است. به‌عنوان گزاره اساسی مقاله حاضر، باید تعریف شود که رفتار مخاطره‌آمیز، رفتاری است اعم از فعل یا ترک فعل، که با هدف نقض امنیت و سلامت دیگران ارتکاب پیدا می‌کند و نتیجه خطرناک متوقع از آن نیز صرفاً احتمالی بوده و ممکن است واقع شود. از همین گزاره می‌توان دریافت که از محوری‌ترین مباحثی که در حقوق کیفری با رفتارهای خطرناک ارتباط دارد، شیوه پیش‌بینی ارکان سه‌گانه مرتبط با این جرائم است. این ارکان با توجه به مصادیقی تحلیل می‌شود که تاکنون وصف کیفری پیدا کرده‌اند. همچنین ممکن است در حقوق کیفری ایران، بسیاری از رفتارها جرم‌انگاری نشده باشند و همین موضوع، جهت‌گیری تحلیل مقاله حاضر را به سمت بایسته‌های مرتبط با جرم شناختن رفتارهای مخاطره‌آمیز نیز سوق دهد. به‌طور کلی شایان ذکر است که مصداق‌های رفتار مخاطره‌آمیز مجرمانه در دو محور کلی قابل شناسایی است: ۱. عنوان خاص جرم به‌خطراندازی دیگران؛ ۲. سایر مصادیقی که به منطق این عنوان نزدیک‌اند و رفتارهای احتمالی خطرناک برای سلامت و امنیت دیگران را جرم‌انگاری کرده‌اند. بر این مبنا در راستای تقویت کارکرد کیفری نظام عدالت در برخورد با رفتارهای

1. 'Warning: You're Risking Death by Being Alive'

۲. مطالعات جامعه‌شناسان با عنوان تحلیل و تبیین نظریه جامعه مخاطره‌آمیز (Risk Society) مطرح می‌شود. جامعه مخاطره‌آمیز نیز در قالب عناوینی چون جوامع بیم و خطر، جوامع بیم و هراس، جوامع ناامن و غیره در واقع جوامع امروزی‌اند. جامعه مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (از جمله قحطی و زلزله) به سمت ریسک‌های برآمده از فعالیت‌های انسانی که اغلب شکل جهانی و عالم‌گیر دارند، متوجه شده است [۱].

مخاطره‌آمیز، ابتدایی‌ترین گام، ترسیم جامعی از جرائم مرتبط است. اعتقاد بر این است که در همین گام نخست، قانونگذار با توجه به ملاحظات جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی، سیاست جنایی مرتبط در راستای نظام‌مندسازی ترسیم حقوق کیفری مخاطره‌آمیز چارچوب‌دار عمل کند. بدیهی است که در این زمینه، ممکن است عدول از تلقی سنتی ارکان جرائم رخ دهد، اما این نتیجه با هدف تأمین سلامت و امنیت جامعه در برابر رفتارهای مخاطره‌آمیز توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. به همین منظور، و با هدف کاهش یا از بین بردن آسیب‌پذیری مفرط در جامعه، در این مقاله با محوریت ارکان سه‌گانهٔ جرائم، به این پرسش پاسخ داده شود که تا چه اندازه رفتارهای مخاطره‌آمیز مجرمانه در هر کدام تحول پیدا کرده است. این بررسی ارکان سه‌گانه در عین ارائهٔ بازشناسی جامعی از جرائم بر مبنای مخاطره‌آمیز بودن رفتار مطرح در جوامع پُرخطر، می‌تواند شیوهٔ توجه نظام‌مند قوانین به اجزای مهم این رفتارها را به تصویر بکشد.

روش و چارچوب بحث

روش اتخاذی در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است؛ از یک‌سو نویسندگان درصددند به بررسی توصیفی از کلیت مقررات و مباحث حقوقی موجود و از سوی دیگر پس از تحلیل جزئیات قانونی و آسیب‌شناسی آنها به معرفی راهکارهایی نظری-عملی بپردازند؛ زیرا شناخت مخاطرات رفتار محوری که در قانون عنوان مجرمانه دارند، برای کاهش مخاطرات مهم است. مهم‌تر این است که افراد و جوامع، واقعیت وجود مخاطرات را می‌پذیرند و مخاطره‌شناسی ماهیت پیش‌بینی و پیشگیری دارد [۳۴]. از این حیث، سعی می‌شود با نگرشی جامع، به رفتارهای مخاطره‌آمیز مجرمانه علیه سلامت، ایمنی و امنیت اعضای جامعه هم در مقررات کنونی و هم در مقرراتی که باید در این خصوص پیش‌بینی و اصلاح شوند پرداخته شود.

رکن قانونی مصادیق مجرمانهٔ مخاطره‌آمیز

در مقررات متعددی برای به‌خطراندازی سلامت یا ایمنی دیگری، عنوان مجرمانه و مجازات تعیین شده است. به‌عنوان مثال در حقوق فرانسه، از سال ۱۹۹۶ میلادی، جرمی با عنوان در معرض خطر قرار دادن افراد^۱ در مادهٔ ۱-۲۲۳ پیش‌بینی و لازم‌الاجرا شد، این جرم کلی است، اما شرایط دقیق‌تری دارد [۲۷]. با نظر به اینکه چنین جرمی با عنوان خاص در حقوق کیفری ایران وجود ندارد، بازشناسی ظرفیت‌ها و بایسته‌های جرم‌نگاری و شیوهٔ پرداختن به مصادیق رفتار مجرمانه براساس منطق خطرناکی در حقوق کیفری ایران لازم و البته قابل بحث است. به

1. La mis en danger des personnes

همین دلیل در ادامه با اشاره به بحث تغییر در کارکرد اصل قانونی بودن و رکن وابسته به آن، ویژگی‌های این‌گونه جرائم مدنظر قرار می‌گیرد.

۱. تغییر اصل قانونی بودن

ظهور موضوعات نوین عموماً فنی یا تخصصی، حقوق کیفری و اصل بنیادین قانونی بودن را ناگزیر با تغییراتی مواجه ساخته است. جهت‌گیری غالبی این تغییر، کمرنگ شدن جایگاه آن یا کاستن از ارزش قطعیت قانونی است. برخلاف اصول‌گرایی سنتی و کلاسیک، در جامعه‌ای که حقوق کیفری برای کاهش مخاطرات احتمالی در زمینه سلامت، محیط زیست و امنیت جایگاه ویژه‌ای قائل است، می‌توان عدالت کیفری را حتی در متن قانون نیز منعطف یافت [۷]. بنابراین، در جوامع کنونی بسیاری از کشورها تحت عنوان جوامع مدرنیته متأخر، اصل قانونی بودن به معنای سنتی و کلاسیک آن، اصلی دست‌وپاگیر تلقی می‌شود. در این جامعه مخاطره‌آمیز نیز می‌توان این سخن را پذیرفت که «...حاکمیت قانون که روزی تضمینی برای آزادی‌های فردی محسوب می‌شد، امروزه به پوششی برای حاکمیت دولت تبدیل شده است...» [۹]. آنچه در این حقوق کیفری عامل مهم تغییر رکن قانونی تلقی می‌شود، تغییر منطق بشر امروز از عقل‌گرایی محض به عنایت‌گرایی است. به همین موازات است که نگرش شکست حقوق کیفری سنتی در مقابله با خطرها حاکم می‌شود و در بستر آن معیار مهم توجه به خطرهای برخی از رفتارهای ارتكابی در جامعه و همسو شدن مصلحت‌گرایی و ضرورت‌های اجتماعی به اهمیت یافتن حقوق کیفری مخاطره‌آمیز، با اصول خاص خود از جمله اصل قانونی بودن منتهی شده است. حتی می‌توان چنین اعتقادی را مطرح کرد که اصل قانونی بودن تغییر نیافته باشد، بلکه جامعه‌ای با خطرهای روزافزونی که دارد، چنین حقوق کیفری‌ای را توجیه و ضروری می‌سازد.

به دلیل اهمیت و لزوم جامعیت پوشش رفتارهای مخاطره‌آمیز توسل به استانداردها توصیه می‌شود. توسل به استانداردها به معنای تعریف دامنه‌ای کلی، جامع و چارچوب دار از رفتار مخاطره‌آمیز است که بی آنکه نگاه خرد داشته باشد با هدف پوشش رفتارهای مخاطره‌آمیز تدوین شود. به موجب این نگرش، استانداردها به قوانین جنبه‌ای کلی می‌دهد، در حالی که این موضوع در حقوق کیفری کلاسیک مذموم بود و قانون باید متصف به قطعی بودن و دقیق بودن باشد. استانداردهایی که در حال حاضر در عرصه‌های مختلف پیش‌بینی شده‌اند، اجرا نشدن آنها مقید به وصف مجرمانه نشده‌اند، اما رعایت آنها می‌تواند از مصادیق متعدد ریسک‌ها و مخاطرات ناظر به سلامت مردم بکاهد. استانداردهای مختلفی در حوزه‌های مختلف به رسمیت شناخته شده‌اند که به نظر می‌رسد باید قانونگذار با توجه به آنها به سمت جرم‌انگاری یا وضع مقررات

مرتبط با نقض آنها حرکت کند. به‌عنوان مثال در راستای ایمنی مواد غذایی تولیدشده، در سال ۱۳۷۵، تدوین اولین استاندارد ملی ایران در خصوص اجرای سیستم HACCP^۱ آغاز شد و از سال ۱۳۸۳، کمیته کشوری در زمینه تهیه و عرضه مواد غذایی شروع به کار کرد.^۲ به‌علاوه آیین‌نامه اجرایی/اندازه‌گیری عوامل زیان‌آور محیط کار، نوعی اقدام در راستای نظام‌مندسازی مبتنی بر استانداردهایی در زمینه کاهش روزافزون مخاطرات قبل از توسل به اقدام کیفری است، زیرا در کلیات این آیین‌نامه نکات مفیدی از حیث مخاطرات و زیان‌آور بودن احتمالی مصادیق مرتبط ذکر شده است، از جمله لزوم بررسی سالیانه عوامل زیان‌آور و نیز دخالت دادن کارشناسان بهداشت حرفه‌ای و نمایندگان وزارت بهداشت و درمان.

در راستای اهمیت مقابله با مخاطرات و جلوگیری از تورم قوانین کیفری مرتبط، علاوه بر قانون، آیین‌نامه‌ها نیز به‌عنوان عوامل مؤثر در تکمیل مقابله با این رفتارها وارد عمل می‌شوند و نه‌تنها عوامل مختلف مرتبط با رفتارهای مخاطره‌آمیز برای سلامت مردم را تشریح می‌کنند و نوعی ضمانت اجراهای انتظامی برای آنها قرار می‌دهند، بلکه در مواردی توضیح‌دهنده بسیاری از اصلاحات نوین مخاطره‌آمیزی هستند که در قانون پیش‌بینی شده‌اند. بنابراین آیین‌نامه‌ای شدن حقوق کیفری از جمله نتایج حقوق کیفری در جوامع حاضر است [۱۶]؛ تا آنجا که برخی از اندیشمندان، اداری بودن را وجه غالب حقوق کیفری آینده دانسته‌اند؛ آینده‌ای که به نظر می‌رسد توجه کیفری به مخاطرات ناظر به سلامت و امنیت مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این اداری‌گرایی موجب می‌شود که جرم نیز مصداقی اداری پیدا کند؛ امری که ضرورت پاسخ‌دهی سریع به رفتارهای نوظهور مخاطره‌آمیز و آثار نامطلوب گسترده آن را در پی دارد.^۳

۲. ویژگی‌های کلی رکن قانونی ناظر به رفتارهای مخاطره‌آمیز

با نظر به جرائم جرم‌انگاری شده بر مبنای ریسک، خطر و خطرناکی رفتار و نیز با لحاظ به‌روزرسانی برخی متون قانونی ناظر به جرم‌های مبتنی بر رفتار احتمالی مخاطره‌آمیز در بیشتر

۱. این اصطلاح بیان اختصاری Hazard Analysis & Critical Control Point یا تجزیه و تحلیل خطر و نقطه کنترل بحرانی است. این سیستم مبتنی بر ابزار مدیریتی در کنترل ایمنی فرآورده‌های غذایی و یک روش پیشگیری در شناسایی و تجزیه و تحلیل خطرهای بیولوژیک، شیمیایی و فیزیکی، تضمین سلامت غذا و ایمنی مصرف‌کننده را مدنظر دارد.

۲. از جمله نتایج تأکید بر استانداردها تأسیس سازمان استانداردهای غذایی در سال ۱۹۹۹ است. ارائه توصیه‌های مرتبط با ایمنی غذایی و استانداردها رویکردی است که اهمیت روزافزون استانداردها را نه در قالب جرم‌انگاری بلکه حمایت‌های سازمانی نشان می‌دهد [۳۳].

۳. آیین‌نامه‌ای شدن در حقوق کیفری ایران به بهانه فنی شدن و ضرورت توجه به این ابعاد پاسخ‌دهی تحولی را در رابطه با تکنیک‌های سنتی جرم‌انگاری به‌وجود آورده است.

جوامع کنونی، می‌توان از ویژگی‌هایی سخن گفت که در قالب آنها رکن قانونی متناسب با این جرائم می‌تواند مؤثرتر باشد.

عقلانیت قانونگذار در جهات مختلفی کاربرد دارد. نکته مهم این است که رفتار مخاطره‌آمیز، رفتاری احتمالی است و جرم‌انگاری احتمال مستلزم تحقیقات علمی مضاعف است تا بسته به درجه احتمال خطرناکی رفتار، نوع مجازات و سیاست کیفری مشخص شود. در این زمینه، نوع تلقی درجه‌مدار از خطرناکی را می‌توان در ماده ۲ از قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی مصوب ۱۳۴۶ مشاهده کرد. به موجب این ماده «... ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در ماده یک طبق نتایج و آثار حاصل از آن به شرح ذیل مستلزم مجازات خواهد بود...». شرح کلی نتایج خود نوعی عقلانیت‌گرایی است که برای پوشش تمام مصادیق احتمالاً خطرناک مرتبط تلاش می‌کند. مصداق دیگر عقلانیت‌گرایی تقنینی را می‌توان در ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مشاهده کرد که به موجب آن، برخی رفتارهایی که با قصد به مخاطره انداختن جان یا آزادی دیگری ارتکاب پیدا می‌کنند و حتی تهدید به ارتکاب آنها، خود نوعی شمول رفتارهای احتمالی خطرناک است. بنابراین، عقلانیت در جهت مقابله با رفتارهای احتمالاً خطرناک در آینده، به قوانینی دامن می‌زند که در آنها، کلی‌گویی‌ها در جهت به رسمیت شناختن نتایج احتمالی مشاهده می‌شود.

در برخی از کشورها، اهمیت زیاد سلامت و امنیت، به تصویب قوانین کیفری مختلف دامن می‌زند که گاه شتابزده و به نتیجه تورم و تکرر قوانین کیفری منتهی می‌شود [۲۹]. گاهی در راستای اصول مهمی از جوامع مخاطره‌آمیز مانند اصل عدم قطعیت و احتیاط‌گرایی سیاستگذاران جنایی، می‌توان نوعی ابهام را در متون قانونی مشاهده کرد. بسیاری از حقوقدانان استفاده مقنن از الفاظ مبهم و غیرواضح را ناقض اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دانسته‌اند، اما به کارگیری این روش را نه تنها سیاستگذاران جنایی توجیه می‌کنند، بلکه علاوه بر آن به مجریان قانون اجازه می‌دهد که با توجه به ابهام تقنینی موجود، برداشت خود را در تطابق ماده قانونی و با هدف مقابله حداکثری کیفری با رفتارهای مخاطره‌آمیز عملی کنند. در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم^۱ نیز ابهام در حد اعلاای خود مشهود است و از این حیث

۱. از سال ۱۹۸۶ که قانونگذار با تکیه بر مبنای ذهنی - قصد ارباب و ترور - نخستین مقررات خود را در این زمینه مطرح کرد تا امروزه که ماده ۱ - ۴۲۱ قانون جزای فرانسه به تبیین جرائم تروریستی ناشی از جرائم عمومی پرداخته است، همواره به کارگیری الفاظی چون «طرح هماهنگ»، «ارباب» و «ترور» از سوی قانونگذار در ماده فوق‌الذکر، از یک طرف استنباط‌های مختلفی را در میان حقوقدانان ایجاد کرده و از طرف دیگر انتقاد برخی از حقوقدانان را به جهت نقض اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها برانگیخته است.

می‌توان مصادیقی چون به مخاطره انداختن جان یا آزادی انسان‌ها، به‌قصد تأثیر بر خط مشی و تصمیمات در صدر بند الف ماده ۱ را همسو با منطق مخاطره‌آمیز بودن تلقی کرد؛ بنابراین در حقوق کیفری ایران در بسیاری از مواد قانونی، قانونگذار به‌دلیل استفاده از عناوین کلی و مبهم، خواسته یا ناخواسته زمینه توجه به رفتارهای مخاطره‌آمیز را فراهم کرده است. از جمله محورهای ابهام، ورود اصطلاحات نو به قوانین است. به‌عنوان مثال در آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، از واژه خطر و ریسک بسیار استفاده شده است. به‌موازات آن، جرم‌انگاری افساد فی الارض، اگرچه عنوانی بسیار کهنه است، تعیین دامنه مفهومی جدیدی برای آن در قالب ماده ۲۸۶ ق.م.ا^۱ خود نوعی ایجاد کاربرد خاص برای این مفهوم تلقی می‌شود. در جرائم علیه امنیت نیز واژه‌های کلی و مبهمی مانند تعرض علیه امنیت و منافع اساسی در منطق مقابله کیفری با رفتارهای احتمالاً مخاطره‌آمیز توجیه می‌شوند.

رکن مادی مصادیق مجرمانه مخاطره‌آمیز

به‌موجب ملاحظات حقوق کیفری عمومی، هر جرمی الزاماً دارای یک رکن مادی است.^۲ از این الزام می‌توان نتیجه گرفت که تحقق جرم موکول به بروز بیرونی اراده ارتکاب جرم است و تا وقتی مظهر خارجی اراده به‌صورتی از صور فعل یا ترک فعل تحقق نیافته، جرم بدون انجام هیچ‌گونه عمل مادی قابل تعقیب و مجازات نیست. اما با توجه به قانونگذاری‌های اخیر در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در راستای مبارزه با برخی رفتارهای مخاطره‌آمیز، قانونگذاران برخی کشورها از جمله ایران در اجزای این رکن تفاوت‌هایی را ایجاد کرده که این تغییر نگرش‌ها با جامعه مخاطره‌آمیز توجیه می‌شود. بنابراین، جرائمی ظاهر شده‌اند که به‌دلیل شدت و اهمیت این رفتارهای مخاطره‌آمیز، اصول کلی مورد پذیرش در موارد متعددی نادیده انگاشته شده‌اند. در این زمینه، توجه به جرم و عنصر مادی آن به‌تدریج غلبه پیدا می‌کند و به‌موجب آن بسیاری از اندیشمندان با دغدغه‌هایی چون امنیت و آسایش شهروندان به عقب‌نشینی از رویکردهای بزهکارمدار سوق یافته‌اند.

۱. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- «هرکس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص رکن مادی ر.ک [۳].

۱. نوع رفتار مخاطره‌آمیز ارتكابی

قانونگذار در زمینه دغدغه‌های روزافزون مبنی بر تقاضای سلامت و امنیت در جامعه‌ای که مخاطرات بسیاری افراد را تهدید می‌کند و به علاوه اهمیت موضوعات و ارزش‌های مورد حمایت، یعنی سلامت و امنیت، اقدام به جرم‌انگاری مصادیقی کرده است که از حیث ترک رفتار و نیز تهدیدآمیز بودن آن شایسته مجازات قلمداد شده است. قبل از تحلیل این دو بُعد، نکته مهم این است که حالت خطرناک [۱۵] با رفتار خطرناک متفاوت است و این حالت تنها به‌عنوان مؤلفه‌ای کلی در پیش‌بینی رفتار یادشده می‌تواند استفاده شود. بر همین مبنا در این مقاله، رفتارگرایی مجرمانه محور بررسی است و نه صرفاً توجه به ویژگی‌های شخص‌مدار.

۱.۱. ترک فعلی شدن غالب رفتارهای مخاطره‌آمیز جرم‌انگاری شده

ترک فعل عبارت است از امتناع از انجام دادن فعل مثبت که قانونگذار امتثال آن را به‌عنوان عاملی برای اجتناب از نتایج خطرناک بر برخی اشخاص تکلیف کرده است (محمدحادی، ۱۳۹۳: ۸۲). در قالب پیش‌بینی این وظیفه، گاه ممکن است قانونگذار به‌صراحت آن را پیش‌بینی نکرده باشد و ممنوعیت آن از عرف یا برخی از کلیات قانون برداشت شود [۱۸]. در منطق حقوق کیفری مخاطره‌آمیزمدار، دو بحث می‌تواند ترک فعل و نظر ارائه‌شده را با چالش مواجه کند: اولاً اینکه، در مصداق مخاطره‌آمیزی برخی رفتارها، نتیجه محوری ندارد و صرف رفتار، اعم از فعل و ترک فعل موضوعیت دارد. ثانیاً اینکه در این حقوق کیفری، لزوماً همان قواعد علیت و تحقق سببیت در وقوع جرم ملاک نیستند و می‌توان از شیوه‌های نوینی در استناد رفتار به مرتکب رفتار سخن گفت؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نقض برخی از تعهداتی که با محوریت ایمنی و حفظ سلامت وضع شده‌اند سبب تقویت جرم بودن مصادیق ترک فعل می‌شود. این ایمنی در حقوق مصرف، حقوق محیط زیست و دیگر حوزه‌های مشابه مشهود است.

به‌طور خاص شاید بتوان اولین قانونی را که در حقوق کیفری ایران ناظر به ترک فعل مرتبط با وضعیت مخاطره‌آمیز است، قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ دانست. به‌موجب ماده ۱ این قانون، رعایت نکردن استاندارد یا فرمول ثبت‌شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد، بسته به نتایجی که در ماده ۲ بدان اشاره شده است مشمول مجازات قرار می‌گیرد. یکی دیگر از مهم‌ترین قوانین مرتبط با ترک فعلی مرتبط با وضعیت‌های مخاطره‌آمیز ماده واحد قانون مجازات خودداری از کمک به

مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب پنجم خرداد ۱۳۵۴ است.^۱ در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸ نیز به دلیل اهمیت خطرهایی که در پی تولیدات ممکن است رخ دهد، قانونگذار در ماده ۱۹ رعایت نکردن مقررات مواد ۳ تا ۸ این قانون را جرم‌انگاری کرده است.^۲ و این امر نشان از ترک استانداردهایی دارد که احتمالاً می‌توانند به خطرهای جدی منتهی شوند. به عنوان مثال، براساس بند دو از ماده ۳ این قانون، ارائه اطلاعات لازم شامل نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف از جمله استانداردهایی است که باید رعایت شوند. شایان ذکر است که در ماده ۱۹ قید «... در صورت ورود خسارات ناشی از مصرف همان کالا و خدمات به مصرف‌کنندگان»، سبب شده است که تحقق نتیجه و خسارت شرط جرم‌انگاری تلقی شود. همچنین در قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۱ به موجب ماده ۴۰،^۳ موارد و رفتارهایی جرم دانسته شده است که به دلیل رعایت نکردن استانداردها ممکن است دارای نتایج احتمالی خطرناکی باشد.

۱. به موجب قسمت اول این ماده واحده «هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید. به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد».

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص جرم‌انگاری خودداری از کمک به دیگران و آثار آن ر.ک: [۳۸].

۳. عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگانی که مبادرت به تخلفات موضوع مواد (۳) الی (۸) این قانون نمایند در صورت ورود خسارات ناشی از مصرف همان کالا و خدمات به مصرف‌کنندگان علاوه بر جبران خسارت وارده به جزای نقدی حداکثر معادل دوبرابر خسارت وارده محکوم خواهند شد.

۴. «ماده ۴۰- موارد زیر جرم محسوب می‌شود و مرتکبان به مجازات‌های تعیین‌شده با حکم دادگاه محکوم می‌شوند:

- ۱- تولید کالاها و ارائه خدمات مشمول مقررات استاندارد اجباری، بدون دریافت پروانه کاربرد علامت استاندارد ایران و یا تأییدیه آن، به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه سه و یا هر دو مجازات؛
- ۲- تمرکز، توزیع و فروش کالاهای مشمول مقررات استاندارد اجباری بدون علامت استاندارد ایران به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا هر دو مجازات؛
- ۳- استفاده از ظروف و وسایل بسته‌بندی دارای علامت استاندارد برای بسته‌بندی، عرضه و فروش فرآورده‌های غیراستاندارد به حبس تعزیری درجه پنج یا جزای نقدی درجه دو و یا هر دو مجازات؛
- ۴- تبلیغات غیرواقعی در خصوص کالا یا خدمت به گونه‌ای که در مصرف‌کنندگان ایجاد شبهه در وجود پروانه کاربرد علامت استاندارد و یا تأیید سازمان کند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه سه و یا هر دو مجازات؛
- ۵- چاپ علامت استاندارد بدون دریافت مستندات قانونی دارا بودن پروانه کاربرد علامت استاندارد معتبر و یا تأییدیه از سازمان، به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه چهار و یا هر دو مجازات؛

بدیهی است که لزوماً همه مصادیق جرائم در یک جامعه مخاطره‌آمیز ماهیتاً ترک فعل نیستند، بلکه به‌طور کلی رفتارهای مجرمانه در قالب همان اصل کلی فعلی بودن جرائم قرار می‌گیرد و از طریق ذکر واژگان کلی مبتنی بر مثبت بودن رفتارهای مخاطره‌آمیز، می‌توان ترک فعل را نیز در قالب آنها محقق دانست. به‌عنوان مثال به اعتقاد برخی، جرم موضوع ماده ۶۸۸ ق.تجزیرات، ناظر به مصادیق فعل مثبت است، ولی «کلی بودن رفتار آلوده کردن، به‌نحوی است که ترک فعل را نیز در بر می‌گیرد» [۳۵].

۱.۲. مقابله همانند جرم با تهدید در جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدآمیز

با توجه به اهمیت مقابله کیفری با رفتارهای احتمالاً خطرناک، تهدیدآمیز بودن رفتار نوعی جهت‌گیری رفتاری شایان توجه در این خصوص است. تهدید به‌معنای ترساندن و بیم دادن است. می‌توان در قالب یک دسته‌بندی جامع، تهدید را به دو دسته تهدید رفتارمدار و تهدید موضوع‌مدار تقسیم کرد. در قسم اول، تهدید به سه صورت معاونت در جرم، اکراه در جرم و به‌شکل مستقل رخ می‌دهد. در تهدید موضوع‌مدار گاه جان اشخاص، گاه مال آنها و در نهایت دیگر مصادیق حیثیتی [۱۱] و غیره موضوع تهدید قرار می‌گیرند. آنچه به‌شکل مخاطره‌آمیز بودن رفتار، قابل تحقق است مستقل رفتار تهدیدآمیز است. جرم بودن تهدید در حقوق کیفری ایران (به‌موجب مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.تجزیرات) و دیگر کشورها مشخص و دارای جایگاه است.^۲ حال اینکه در جامعه مبتنی بر مقابله با ریسک‌ها و مخاطرات احتمالی، برخی از افعال یا ترک افعال به این علت جرم‌انگاری می‌شوند که ماهیتاً تهدیدی علیه سلامت و امنیت جامعه محسوب می‌شوند. بنا به اعتقادی، هرچه تهدید بزرگ‌تر باشد، ریسک عدم اقدام در برابر آن هم بیشتر خواهد بود و بر این اساس باید به پیش‌بینی و دفاع در برابر آن اقدام کرد. بسیاری از نویسندگان مصادیق مختلفی از تهدید بر امنیت و سلامت را دسته‌بندی و بازشناسی کرده‌اند. [۳۹]. به‌موجب این مؤلفه‌ها و اهمیت امنیت یک جامعه و سلامت اعضای آن در برابر تهدیدهای احتمالی، دیگر منتظر وقوع آنها نبوده و به‌صرف تهدیدآمیز بودن رفتاری، آن رفتار

۷- جعل و تقلب بر گه‌های آزمایش، تشخیص و مشخصات فرآورده‌ها و پروانه کاربرد علامت استاندارد به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه سه و یا هر دو مجازات....».

۱. در اجرای ماده مذکور می‌توان به ابهاماتی همچون عنصر معنوی اشاره نمود؛ به نحوی که عمد و آگاهی لازمه تحقق این عنصر است یا خطای جزایی ناشی از عدم توجه به رعایت ملاحظات زیست محیطی نیز از عوامل محقق بودن این عنصر است؟ وجه تمایز تهدید بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست و میزان بازاریابی مجازات تعیین شده نیز از دیگر چالشهای اجرای این ماده است.

۲. لازم به ذکر است تهدید در حقوق جزای عمومی امری نسبی است که با توجه به وضعیت تهدید شونده و تهدید کننده مورد قضاوت قرار می‌گیرد و ضابطه تشخیص آن عرفی است.

ذیل عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد. بر همین اساس، توجه به تهدید در راستای تأمین امنیت سبب نقض حداکثری آزادی می‌شود، اما توجیه‌پذیر است.

در جرم به‌خطراندازی سلامت دیگری در حقوق فرانسه، این منطق کاملاً روشن است و در تخلف‌انگاری مقرر در قوانین مرتبط با حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، از منطق حمایت در مقابل تهدید سلامت و امنیت پیروی می‌کند. در بند الف از ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز به‌صراحت قید تهدید به ارتکاب مشمول این جرم قرار گرفته است، اهمیت منطق تهدید زمانی دوچندان می‌شود که در این بند قید تهدید به ارتکاب به در مخاطره انداختن جان یا آزادی نیز معطوف شده است. همچنین نگهداری و حمل غیرمجاز برخی سلاح‌ها در ماده ۶ یا برخی مواد خطرناک مانند مواد رادیواکتیو یا میکروبی در ماده ۱۲ از قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ۱۳۹۰ نیز به‌دلیل تهدیدی است که از این رفتار انتظار می‌رود. بنابراین توجه به تهدید خود نوعی جرم‌انگاری مانع و پیشگیرانه تلقی می‌شود^۱ که با هدف تحقق نیافتن نتایج احتمالی خطرناک مدنظر قرار می‌گیرد. در ماده ۶۸۸ ق. تعزیرات نیز منطق تهدید در جرم‌انگاری جرم تهدید علیه بهداشت عمومی به‌صراحت پیش‌بینی شده است. این تهدید در قالب مصادیقی از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز از فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی بیان شده است. همچنین براساس ماده ۱۴ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، معیار تهدیدآمیز بودن رفتارهای مخاطره‌آمیز علیه سلامت انسان و محیط زیست بسیار بدیهی است، زیرا به‌موجب این ماده «در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی به تشخیص سازمان فقط از طریق انتقال تمام یا بخشی از خطوط تولید یا تأسیسات یا اماکن آنها به نقاط مناسب امکان‌پذیر است و یا فعالیت مراکز مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به‌خطر بیندازد، مالکان و مدیران واحد موظف‌اند در مهلت تعیین شده در طرح انتقال، نسبت به انتقال واحد مربوطه اقدام کنند. مستنکف از مفاد این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل سه درصد (۳٪) درآمد سالانه ناخالص همان واحد محکوم می‌شود».

۱. جهت مطالعه بیشتر ر.ک [۲] و [۲۲].

۲. شرایط و اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز مدار رفتارهای مجرمانه

به تناسب اقتضائات جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز، رکن مادی این جرائم نیز مخاطره‌آمیز مدار شده و رفتار مادی آنها مشمول تغییراتی شده است؛ زیرا به اعتقاد نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و همچنین در قالب نظریاتی چون نظریه چندگانگی عوامل مخاطره‌آمیز^۱ رفتارهای مخاطره‌آمیز در نتیجه تلفیقی از عوامل خطر ساز رخ می‌دهند. بدیهی است که در اثر همین تکثر عوامل، مقنن در مقام پیش‌بینی جرائم مخاطره‌آمیز، شرایط مخاطره‌آمیز رفتارمدار و حالت‌مدار را نیز مدنظر قرار می‌دهد. با الهام از بند ک ماده ۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان شرایط و وضعیت‌های مخاطره‌آمیز^۲ اگرچه با یکدیگر متفاوت‌اند، اشتراکاتی دارند. بر همین اساس، می‌توان بیان کرد که شرایط مخاطره‌آمیز، شرایطی هستند که بر مبنای ریسک و خطر احتمالی موجود در آنها، ریشه در تخلف از اصول مشخص یا کلی‌ای دارند که زیست ایمن در یک جامعه آنها را توصیه می‌کند. از یک‌سو حالت مداری در قالب مبنای جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیزی چون اعتیاد، عضویت در گروه‌های مجرمانه، حمل سلاح، تکدی و ولگردی قرار می‌گیرد. در قالب شرایط ناظر به رفتار مجرمانه نیز مصادیقی چون رانندگی با سرعت غیرمجاز، رانندگی بدون گواهینامه، و رادیواکتیو بودن مواد در خرید، نگهداری، حمل یا توزیع و فروش (در قالب ماده ۱۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰) و همچنین به خطر انداختن سلامت انسان‌ها در ماده ۱۴ قانون هوای پاک ۱۳۹۶، مبنای مخاطره‌آمیز بودن جرم‌انگاری آن رفتارهاست. علاوه بر این ملاحظات کلی در قالب شرایط، می‌توان توجه به وسایل ارتکاب جرم، مکان‌های ارتکاب و موضوع آن را از دیگر جنبه‌هایی دانست که می‌توانند مخاطره‌آمیز محوری در جرم‌انگاری برخی رفتارها را تبیین کند. در آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در چندین قسمت بر شرایط خطر (ریسک‌مدار) تأکید شده است که خود نوعی اقدام برای احراز رفتار مجرمانه موضوع قانون یادشده است.

در جرم به‌خطراندازی جان دیگری در حقوق کیفری فرانسه، مصداق جرم منوط به این شرط شده است که خطر قریب‌الوقوع باشد. این شرط به‌دلیل اهمیت داشتن رفتار صرف‌نظر از نتیجه موضوع جرم‌انگاری است. به اعتقادی «در معرض قرار دادن باید مستقیم و خطر باید

1. Multiple risk factor theory

۲. به‌موجب بند ح ماده ۱ لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، وضعیت مخاطره‌آمیز: اوضاع و احوالی است که در صورت عدم مداخله قانونی به‌منظور حمایت از کودک و نوجوان، موجب بزه‌دیدگی و یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا آموزش او خواهد شد.

قریب‌الوقوع باشد. به نظر می‌رسد که در این دو اصطلاح، باید میان عمل و خطر، رابطه سببیت مستقیم وجود داشته باشد. برای حل این تکرار بیهوده، آیا باید صفت «قریب‌الوقوع» را فقط دارای معنای زمانی دانست؟ در این صورت، امکان کیفر دادن خطر آینده، ممنوع می‌شود. پس بهتر بود که قانونگذار، به جای این عبارات، لازم می‌دانست که خطر، قطعی باشد. اما می‌توان فهمید که چرا این جرم‌انگاری، منحصر به بزرگ‌ترین خطرات: مرگ، نقص عضو و معلولیت دایمی است» (ژان و آنری، ۱۳۹۳، همچنین برای مشاهده تعریف در معرض خطر بودن ر.ک [۲۵]). به همین دلیل به نظر می‌رسد که باید شرط رفتار مخاطره‌آمیز، قطعی و وجود رابطه سببیت میان فعل و آن نتیجه احتمالی برقرار باشد.

۳. نتیجه احتمالی رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز

همان‌طور که پیشتر بیان شد، در جوامعی که مخاطرات مختلفی سلامت و امنیت اشخاص را تهدید می‌کند، نگرش سیاستگذاران به جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز فارغ از تحقق نتیجه آن جهت‌گیری مهمی است. بدین تعبیر که صرف رفتار، خواه به نتیجه‌ای منتهی بشود یا خیر، موضوع جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. به‌موجب همین امر، اغلب صرف رفتارها و در برخی موارد نتیجه‌ای خاص مدنظر قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که هدف از حقوق کیفری ناظر به رفتار مخاطره‌آمیز، جلوگیری از آسیب‌ها و ضررهای احتمالی (به‌عنوان نتیجه) است؛ بر همین مبنا در راستای اصل لاضرر در جرم‌انگاری [۱۰]، مقابله با ضرر احتمالی نسبت به خود و دیگران مدنظر قرار گرفته شده است [۳۰]. بنا به تعریفی که از برخی رفتارهای مخاطره‌آمیز ارائه می‌شود، گاه رفتارهای مخاطره‌آمیز با بعضی از نتایج نامطلوب همبسته‌اند. به تعبیر دیگر، برخی جرائم مبتنی بر رفتارهای مخاطره‌آمیز مقیدند و نتایج آنها تعیین‌کننده میزان مجازات آنهاست. مثال مهم از این مصداق را می‌توان در ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ یاد کرد که به‌موجب آن، قانونگذار بسته به اینکه هر یک از جرائم منتهی به نتایجی از قبیل مرگ، نقص عضو، نقص زیبایی و بیماری شوند، مجازات متناسب با آن تعیین شده است. علاوه بر این موارد، مطلق شدن جرائم و جرائم ناقص [۳۸]^۱ موضوع قانونگذاری کیفری می‌توانند تبیین‌گر ماهیت مبنایی برخی از رفتارهای مخاطره‌آمیز موضوع جرم‌انگاری باشند.

در جرائم مطلق استثنائاً ارتکاب عمل خاص یا به‌کار بردن وسیله خاص، صرف‌نظر از تحقق نتیجه، موجب ارتکاب جرم است و برخی از جرائم قطع‌نظر از نتیجه زیانبار احتمالی آنان کامل به‌شمار می‌آید. با توجه به رفتارهای مخاطره‌آمیز، می‌توان دو دسته از رفتارهای مطلق را از هم

تفکیک کرد: برخی از آن رفتارها علت حتمی و مستقیم نتیجه نیستند و برخی از آنها رابطه‌ای مستقیم با نتیجه دارند. در حالت اول، تحقق نتیجه احتمالی سبب تشدید مجازات است و در حالت دوم، تحقق نتیجه تأثیری بر مجازات ندارد و صرفاً می‌تواند مصداقی از تعدد جرم باشد. در هر حال باید اذعان کرد که در هر دو دسته جرائم مطلق و مانع نیازی به عنصر ضرر و خسارت به دیگری نیست و صرف ارتکاب رفتار مجرمانه‌ای که در قانون احصا شده است برای تحقق عنصر مادی کفایت می‌کند.

به‌عنوان مثال در قالب رفتارهای مخاطره‌آمیز موضوع جرم‌انگاری علیه محیط زیست، صرف اینکه یک رفتار در قالب آلودگی قرار گیرد مشمول تعقیب کیفری خواهد بود و در تعیین جرم بودن، شدت آلودگی شرط نیست؛ بلکه صرف تحقق آن رفتار کافی است. به همین دلیل، تحقق مصداق رفتار، صرف‌نظر از نتیجه‌ای مشخص، در ماده ۶۸۸ ق. تعزیرات جرم و قابل مجازات اعلام شده است. در این مصداق تحقق کامل فعل مورد نظر نتیجه رفتارگراست و به نظر می‌رسد برخلاف نظر برخی [۳۵]، مطلق بودن این رفتار مجرمانه قوی‌تر است. در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا.پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک چنانچه گسترده نباشد و به خسارت عمده‌ای منتهی نشود، بسته به میزان نتایجی که در بر دارد مشمول حبس تعزیری درجه پنج یا شش خواهد شد. در این رفتار، خطر از چنان اهمیتی برخوردار است که تحقق نیافتن نتایج مقرر در جرم افساد فی الارض نیز موجب شمول مجازات می‌شود. در جرم خاص به خطر اندازی دیگری در حقوق فرانسه نیز (ماده ۱-۲۲۳) همانند جرائم در قانون مصرف این کشور، به‌صرف به‌خطراندازی دیگری شکل می‌گیرد و لازم نیست به کسی آسیب جسمی وارد شود. تولیدکننده‌ای که رنگ سمی به مواد غذایی می‌افزاید؛ تعمیرکاری که خودروی دست دوم را می‌فروشد و به خریدار نمی‌گوید که تصادف قبلی، استحکام قسمت‌های هدایت خودرو را تضعیف کرده است؛ مرکز انتقال خون - که بدون آگاهی بیماران - از خون آلوده استفاده می‌کند و غیره، همگی نشان از رفتارهای مخاطره‌آمیزی دارد که فارغ از نتیجه قابل مجازات هستند.

با نگاهی به دیگر قوانین و آیین‌نامه‌هایی که لزوماً درصدد جرم‌انگاری نبوده‌اند، می‌توان اهمیت سلامت و امنیت و حمایت از اشخاص را تا بدانجا دانست که برخی از تخلفات نیز به‌طور مطلق و فارغ از نتیجه‌ای که می‌توانند در پی داشته باشند مشمول پاسخ‌های اداری، انتظامی و مدنی می‌شوند. به‌عنوان مثال در بند ف ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۹۵، عیب ایمنی چنین تعریف شده است: «عیوبی که احتمال ایجاد صدمه به جسم، جان و مال اشخاص گردد». در ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ نیز مصداقی از احتمالی بودن پیش‌بینی شده است:

«چنانچه نقص یا عیب قطعات ایمنی خودرو در طول دوره ضمانت پس از سه بار تعمیر همچنان باقی باشد یا در صورتی که نقص یا عیب قطعاتی که موجب احتمال صدمه جسمی یا جانی اشخاص شود و با یک بار تعمیر برطرف نشده باشد یا خودرو بیش از سی روز به دلیل تعمیرات غیرقابل استفاده بماند، عرضه‌کننده مکلف است حسب درخواست مصرف‌کننده خودروی معیوب را با خودروی نو تعویض یا با توافق، بهای آن را به مصرف‌کننده مسترد دارد».

به تدریج با اهمیت یافتن دغدغه ایمنی و امنیت در یک جامعه مخاطره‌آمیز، هم در جرائم علیه امنیت و همچنین در جرائم دیگر همچون جرائم علیه سلامت، محیط زیست، جرائم اقتصادی و غیره اعمال مقدماتی، موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته است. به‌عنوان مثال اخیراً تصویب قانون ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیرمجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و بین‌المللی و فضاهای مجازی در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ سیاست نوینی را در راستای مقابله با جرائم مقدماتی مخاطره‌آمیز که ماهیتاً در قالب جرائم مانع قابل دسته‌بندی هستند دنبال کرده است. این سیاست جدید، با توجه ویژه به سلامت مردم جامعه در حوزه‌های مختلف و گسترده‌ای چون آورده‌های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، گیاهی، طبیعی، مکمل و همچنین تجهیزات و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی و هرگونه خدمات سلامت، درصدد نوعی سیاست همه‌جانبه و قاطع در راستای مقابله با جرائم وابسته مخاطره‌آمیز گام برداشته است.

رکن معنوی مصادیق مجرمانه مخاطره‌آمیز

جرائم در نظام‌های حقوقی مختلف با وصف تکثر و تغایر، در برخی از ویژگی‌ها و اوصاف با یکدیگر مشترک و مطابق‌اند. یکی از این ویژگی‌های مشترک، لزوم وجود رکن روانی برای تحقق جرم است؛ که در قالب تحلیل جرم در یک جامعه مخاطره‌آمیز اشاره تحلیلی به آن ضرورت دارد [۳۲]؛ یعنی اکثر قریب به اتفاق جرائم نیازمند وجود وضعیت روانی خاصی هستند تا عمل، سرزنش‌آمیز و قابل مجازات تلقی شود.^۱

۱. بحث مهم در زمینه رکن روانی جرائم در جوامع مخاطره‌آمیز، میزان انطباق احتمالی آنها بر جرائم مادی صرف است. توضیح آنکه در حقوق برخی از کشورها به‌ویژه حقوق کامن‌لا، جرائمی تحت عنوان «جرائم مادی صرف» وجود دارند که استثنایی بر قاعده لزوم وجود رکن روانی هستند و از این حیث مورد انتقاد روزافزون علمای حقوق قرار دارند. (هرچند موافقان نیز با ارائه دلایل، وجود این قسم از مسئولیت را به مصلحت می‌دانند و حتی برخی از نظریه‌پردازان حقوق کیفری، آن را انحراف از قاعده لزوم عنصر روانی جرم نمی‌دانند). این جرائم به‌صرف ارتکاب عمل ممنوعه، تحقق می‌یابند و اساساً نیازمند اثبات رکن روانی نیستند. در نتیجه صحبت در خصوص «ضابطه احراز رکن روانی» سالبه به انتفای موضوع است.

۱. تزلزل در علم و آگاهی؛ گسترش جرائم مبتنی بر بی‌احتیاطی در قالب رفتارهای مخاطره‌آمیز

اگرچه اصل عمدی بودن جرائم، اصل گسترده‌ای است [۳۲] و نسبت به جرائم در تمام اقسام قابل استفاده است و استثناهای آن را قانون مشخص می‌سازد، برخی از مصادیق رفتارهای مخاطره‌آمیز لزوماً عمدی نیستند و با بی‌احتیاطی - قابل تشخیص با معیار عینی - نیز می‌توان انتظار تحقق مخاطرات گسترده‌ای را داشت. از این‌رو، گسترش جرائم مبتنی بر بی‌احتیاطی در یک جامعه مخاطره‌آمیز آن هم به دلیل آثار گسترده برخاسته از آنها و حکایت داشتن آنها از بی‌توجهی افراد در ایجاد مخاطرات، خود مبنایی مهم برای برخورد کیفری با مصادیق بی‌احتیاطی است. به بیان دیگر، اقدام به کاری که امکان به خطر انداختن جان یا مال دیگری در آن می‌رود، به‌رغم آگاهی داشتن، نمایانگر بی‌توجهی به منافع افراد دیگر است و این امر در حقیقت اساس مسئولیت کیفری در جرائم غیرعمدی است [۸]. عنوان یادشده به این معنا نیست که همه مصادیق ارتكابی با رفتار مخاطره‌آمیز باید غیرعمدی شوند، بلکه به این معناست که علاوه بر افعال عمدی مخاطره‌آمیز، باید رفتارهای غیرعمدی مخاطره‌آمیز نیز در نظر گرفته شوند؛ زیرا نتایج واقعی و احتمالی این‌گونه رفتارها، حتی ممکن است از جرائم عمدی بسیار شدیدتر و گسترده‌تر باشند. رفتار عمدی مخاطره‌آمیز، هر رفتار آگاهانه‌ای است که با قصد به خطر انداختن سلامت و امنیت افراد ارتكاب پیدا می‌کند، مانند آلوده‌سازی آب مصرفی شهر، به‌کار گرفتن مواد سمی در تولیدات کارخانه‌ای و غیره. همین رفتارها ممکن است به‌صورت غیرعمدی نیز رخ دهند و نتایج احتمالی و واقعی مورد نظر نیز از آنها دیده شود و به همین دلیل، صورت غیرعمدی رفتارهای خطرناک نیز قابل مجازات اعلام می‌شوند. از همین رو، سیاست کیفری کشورها در جهت افزایش کارایی قانونگذاری کیفری، غیرعمدی بودن برخی جرائم مرتبط را نیز قابل مجازات اعلام می‌کنند. این نگرش در قالب برخی از جرائم علیه امنیت، برخی از جرائم علیه محیط زیست، جرائم حین تولید مواد غذایی، برخی از جرائم ناظر به فناوری‌های نوین و غیره قابل مشاهده است. ماده ۶ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به‌عنوان یک مصداق بسیار مهم، از جرائم مبتنی بر بی‌احتیاطی یاد کرده است که به‌موجب آن «هرگاه در نتیجه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت تهیه‌کننده یا سازنده یا فروشنده یا عرضه‌کننده یا هر یک از عاملین آنها، مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به صورتی درآید که مصرف آن موجب بیماری یا آسیبی گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد، مجازات اشخاص مذکور برحسب مورد دو ماه تا شش ماه حبس تأدیبی خواهد

بود و در صورتی که مدت معالجه، زائد بر یک ماه باشد مرتکب به حداکثر مجازات حبس مذکور در این ماده و تأدیه غرامت از پنج‌هزار تا پنجاه‌هزار ریال محکوم می‌شود».

با وجود این، در حقوق کیفری فرانسه، جرم به‌خطراندازی موضوع ماده ۱-۲۲۳ قانون جزا، ویژگی «آشکارا عمدی» این نقض، ذکر صفت «عمدی» نشان می‌دهد که صرف بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری برای تحقق جرم، کافی نیست، بلکه مباشر باید آگاه باشد که سلامت یا ایمنی دیگری را به خطر می‌اندازد. البته او نتایج زیانبار عملش را نمی‌خواسته، ولی می‌دانسته که ممکن است چنین نتایجی به بار آید. او مرتکب سوءنیت احتمالی شده است که میان قصد آسیب‌رسانی و بی‌احتیاطی قرار دارد. ارزیابی قید «آشکارا» دشوار است. گویا قانونگذار خواسته است بگوید که عمدی بودن نقض باید مسلم باشد یا حداقل باید از دلایل قطعی، چنین استنباط شود و مبتنی بر حدس و گمان نباشد [۲۷]. این نکته به دلیل احتمالی بودن نتیجه تقویت می‌شود، بدین تعبیر که به دلیل اینکه رفتارهای ذاتاً مخاطره‌آمیز، صرف‌نظر از نتیجه موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند، مقتضی است که در ایجاد همین رفتار مخاطره‌آمیز، رکن عمدی بودن به‌طور کامل مشخص باشد و صرف بی‌احتیاطی مبنای جرم و تعقیب کیفری قرار نگیرد. شایان ذکر است که اگر با توجه به همه مراتب مورد اشاره، متهم توانایی آگاه شدن از مخاطره‌آمیز بودن عمل خود را داشت، می‌توان بی‌توجهی و بی‌احتیاطی را در وی محرز دید. با این توصیف، قصد فعل مخاطره‌آمیز، جرم موصوف را محقق می‌سازد. به همین دلیل در مصداق رفتار مخاطره‌آمیزی چون ماده ۶۸۸ ق. تعزیرات، با آنکه مقنن به‌صراحت از قید عمدی بودن یاد نکرده است، ولی برخی با استناد به اصل تفسیر قانون در موارد ابهام به نفع متهم و اصل عمدی بودن جرائم، عمدی بودن حکم این ماده را قوی‌تر دانسته‌اند [۳۵]، بی‌احتیاطی دارای احتمال نتیجه و همچنین حکم مادی صرف بودن این‌گونه جرائم در کنار لزوم حمایت کیفری از بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی، می‌تواند مصداق بی‌احتیاطی را در تحقق این جرم محرز نشان دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که با توجه به مؤلفه‌هایی چون فنی و پیچیده بودن جرائم، زیاد بودن آثار زیانبار آنها، بزه‌دیدگان متکثر و نیز به دلیل پیچیدگی در اثبات مسئول جرم ارتكابی و جبران خسارت‌ها مسئولیت بدون تقصیر هر روز دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کند و نظام سیاسی و حقوقی برای تأمین مصالح عمومی به‌گونه‌ای قوانین را تدوین، تفسیر و اجرا کرده‌اند که مبارزه با جرائم را تسهیل کنند. از این‌رو نتیجه فنی و تخصصی شدن امور و فرایند زندگی و نیازهای بشری تلقی شود و با دامن زدن به جرائم غیرعمدی و مبتنی بر تقصیر، برخی از اشکال مجرمانه را به وجود آورد [۲۰].

۲. تزلزل در سوءنیت خاص و اکتفا به سوءنیت عام

از جمله اجزای مهم قابل بحث در رکن روانی، سوءنیت عام (تعلق اراده به فعل) و سوءنیت خاص (تعلق اراده به نتیجه) بزهکار است. امروزه در قلمرو جرم‌انگاری‌های امنیت و سلامت‌مدار، در راستای شمول کیفی بسیاری از رفتارهای خطرناک، گاه تنها به لزوم تحقق سوءنیت عام اشاره می‌شود. این تحول و تغییر در رکن روانی به دو شکل قابل تصور است: یکی با فقدان شرط سوءنیت خاص و دیگری با مفروض دانستن این سوءنیت، که به ترتیب در مراحل اثباتی و ثبوتی تحقق جرم کاربرد دارند. به نظر می‌رسد که در قالب رفتارهای مخاطره‌آمیز این دو منطق، بسته به شدت خطرناکی کاربرد دارند؛ با این ملاک که در جرائم مهم و با نتایج احتمالی و خطرناک گسترده مفروض بودن سوءنیت حاکم باشد و در جرائم با نتایج احتمالی خُرد، نیاز نداشتن به اثبات آن. شاید بتوان این دو حالت را ذیل عنوان سوءنیت احتمالی قرار داد و به‌موجب آن در سایه کلی میزان پیش‌بینی مرتکب از نتایج احتمالی به سوءنیت خاص وی جهت داد. در حقوق کیفری ایران، لزوماً تفکیک تقنینی مورد اشاره مدنظر نیست و به‌عنوان مثال، در حوزه‌هایی چون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مفروض بودن سوءنیت خاص مطرح است و از این حیث، صرف تخلفاتی که برخلاف اصول مقرر صورت می‌گیرند، موضوع پاسخ‌های کیفری قرار گرفته‌اند. در همین راستا، مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ با چنین نگرشی تلاش دارد تا به‌شکلی حداکثری به حمایت کیفری از حقوق مصرف‌کنندگان اقدام کند. در ماده ۱۹ مذکور، تخلف صرف بدون اشاره به جهت‌گیری خاصی از سوءنیت خاص مدنظر قرار گرفته است. در مثالی دیگر می‌توان به مصادیق جرائم امنیتی اشاره کرد که توجه به سوءنیت خاص در عمده مصادیق رفتارهای مجرمانه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ نیز لازم دانسته شده است.^۱ در همین قانون، به‌موجب بند ب از ماده ۱، مصادیق رفتارهای تروریستی فارغ از نیاز به نتیجه مجرمانه و انگیزه، به‌صراحت مشمول مجازات قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان دریافت که در حقوق ایران، بسته به میزان اهمیت و درجه خطرناکی رفتار ارتكابی، سوءنیت خاص شخص حالتی متغیر پیدا می‌کند؛ در مصادیق مهم اثبات سوءنیت خاص لازم نیست و در مصادیق کم‌اهمیت این موضوع اگرچه وجود دارد، نیازی به اثبات آن نیست. در برخی مصادیق نیز جرم مبتنی بر رفتار مخاطره‌آمیز فارغ از سوءنیت خاص قابل مجازات اعلام شده است و چنانچه آن رفتار با سوءنیت خاص

۱. برای مثال صدر بند الف ماده ۱ قانون فوق‌الذکر به این شکل به سوءنیت خاص اشاره نموده است: «...به‌قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران...».

ارتکاب یابد، مشمول مجازات سنگین‌تری خواهد بود. در همین راستا ماده ۶۸۷ ق. تعزیرات شاهد مثال بسیار متناسبی برای این نکته است که سوءنیت خاص به عاملی برای تشدید مجازات تبدیل می‌شود.^۱ ماده ۶۸۸ قانون یادشده نیز با اشاره نکردن به سوءنیت خاص سعی کرده است که میزان حمایت کیفری در برابر رفتارهای مخاطره‌آمیز تهدیدکننده بهداشت عمومی را به حداکثر برساند (برای مطالعه بیشتر درباره رویکرد مبتنی بر مادی صرف در حقوق کشورهای چون آمریکا ر.ک: [۳۵]). در آخر شایان ذکر است که می‌توان برخی از مصادیق اکتفا به سوءنیت عام را به معنای قصد تبعی [۲۴] تلقی نمود که خود ناظر به پذیرش نتایج غیرمستقیم ناشی از رفتار است.

نتیجه‌گیری

پررنگ شدن دغدغه امنیت در جامعه مخاطره‌آمیز سبب شده است که نظام‌مندسازی محیط اجتماعی در ابعاد مجازی و حقیقی آن مدنظر قرار گیرد و در قالب محیط حقیقی نیز توجه به محیط زیست و سلامت آن از خطرهای احتمالی، تقویت زندگی اجتماعی سالم در برابر تولیدات کارخانه‌ها و رفتارهای مخاطره‌آمیز اجتماعی به موضوعاتی مهم تبدیل شده‌اند. بنابراین دامنه شمول جرائم افزایش یافته و تغییر در موضوع جرائم قابل استنباط است. فزونی عناوین مجرمانه یا حجیم‌تر شدن مجموعه قوانین کیفری در قالب تورم کیفری، به‌نوعی حکایت از تغییر روزافزون موضوعات مورد حمایت قانونگذاران دارد. از طرفی نیز می‌توان چنین عنوان داشت که موضوعات مورد حمایت در حقوق کیفری مخاطره‌آمیز، جنبه‌ای انتزاعی به خود گرفته‌اند و از این حیث مؤلفه‌هایی کلی و غیرمشخص مانند امنیت، سلامت و غیره را شامل می‌شوند. نکته مهم دیگر که اهمیت یافتن ارزش‌های جمع‌گرایی در برابر فردگرایی است خود بر تکرر موضوعی در این جوامع

۱. «هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد».

تبصره ۱: در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت...»

حکایت دارد. جرائمی چون جرائم علیه محیط زیست، جرائم تروریستی، پول شویی، جرائم علیه سلامت غذایی و غیره را می‌توان مصادیقی از اهمیت یافتن جمع‌گرایی در جرم‌انگاری دانست. با توجه به اینکه رفتارهای مخاطره‌آمیز مختلفی جلوه مجرمانه پیدا کرده‌اند و احتمال وقوع نتایج زیانبار در آنها مبنایی برای جرم‌انگاری شده است، مقتضی بود که در قالب ارائه معیار به این مصادیق و سنجش مفاهیم هر یک از ارکان آنها پرداخته شود. بر این اساس، فرضیه مورد نظر در این مقاله، یعنی تحول یافتن ارکان مجرمانه مرتبط با رفتارهای مخاطره‌آمیز، به اثبات رسید و در جلوه‌های مختلف تحلیل آنها بیان شد. به‌عنوان برآیند این مقاله می‌توان بیان داشت که اولاً لازم است مقنن، در قالب متن قانونی به شکلی نظام‌مند و با توجه به منطق مخاطره‌آمیز بودن رفتارهای مجرمانه مرتبط، درجه‌بندی مشخصی را از سطح مخاطره‌آمیز بودن و درجات رفتار و همچنین رکن روانی مرتبط را پیش‌بینی کند، زیرا با توجه به این نظام‌مندی، نه تنها تشتت تقنینی ناظر به موضوع واحد از بین می‌رود، بلکه در کنار آن، هدف غایی مقابله کیفی با رفتارهای احتمالاً خطرناک نیز محقق خواهد شد؛ ثانیاً در قالب رکن قانونی، مقتضی است که با پیش‌بینی مقرر کلی جرم به‌خطراندازی سلامت و امنیت (به تعبیر کلی‌تر ایمنی) دیگران، بسیاری از مواد قانونی مورد اشاره حذف شوند. در همین راستا، می‌توان به‌منظور جامع‌تر کردن این رویکرد تقنینی، به تناسب نوع رفتار، موضوع آن و حوزه‌هایی که به خطر می‌اندازد، جامعیت در جرم‌انگاری رکن مادی را تضمین کرد. ثالثاً به نظر می‌رسد با توجه به آنکه عمده مصادیق مجرمانه مخاطره‌آمیز ناظر به رفتاری مطلق و بدون نتیجه است، اما می‌توان پیشنهاد داد که صرفاً با توجه به رفتار مخاطره‌آمیز و ویژگی‌های آن، قصد شخص و یا تقصیر وی در اثبات رابطه استناد میان آن رفتار و نتیجه احتمالی را مفروض تلقی کرد. اما در اجرای این پیشنهاد این احتمال وجود دارد که رویه محاکم دادگستری با هدف مقابله کیفی با رفتارهای مخاطره‌آمیز تفسیر گسترده‌ای از قانون داشته باشند و موجب نقض بی‌رویه حقوق اشخاص در اثبات جرائم وابسته به این رفتارها شوند. از این رو مقتضی است که قانونگذار در قانون به شکلی ضابطه‌مند بسته به نوع رفتار و خطرناکی احتمالی آن درجات رکن روانی را محرز تلقی کرده و از تشتت رویه قضایی جلوگیری کند. در نهایت اینکه، در رابطه با نتیجه جرائم مبتنی بر رفتار مخاطره‌آمیز نیز باید میان نتایج واقعی و احتمالی تفکیک قائل شد و در هر کدام نیز درجه‌بندی نتیجه را بیان کرد، زیرا این کار بر دقت متون قانونی می‌افزاید.

منابع

- [۱]. احمدی، حبیب؛ و دهقانی، رودابه (۱۳۹۴). «آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز»، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*. دوره ۱۰، ش ۲.
- [۲]. احمدوند، کریم (۱۳۹۰). بررسی جرائم مانع در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.
- [۳]. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*، ج اول و دوم، چ ۲۹.
- [۴]. اطهری، مهرداد (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی جرائم ناقص در کامن‌لا، فقه و قانون جدید مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- [۵]. بک، اولریش (۱۳۸۸). *جامعه در مخاطره جهانی*، ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده، کویر.
- [۶]. پورهاشمی، سیدعباس؛ نامیان، پیمان؛ و طبیبی، سبحان (۱۳۹۴). «جرم‌انگاری تروریسم زیست محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۷، ش ۱.
- [۷]. توسلی، غلامعباس؛ و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۸). «مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره‌آمیز؛ تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر»، *علوم اجتماعی: جامعه‌شناسی ایران: دوره دهم*، ش ۴.
- [۸]. جانی‌پور اسگلکی، مجتبی؛ و وهابی توچایی، مجتبی (۱۳۹۰). «ضابطه تشخیص بی‌احتیاطی در تحقق مسئولیت کیفری»، *فصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، دوره سوم، ش ۴.
- [۹]. جعفری، مجتبی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی حقوق کیفری*، تهران: میزان.
- [۱۰]. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ و یوسفی، محمد (۱۳۹۳). «بررسی مبنای ضرر در جرم‌انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره چهارم، ش ۲.
- [۱۱]. حسینی، بابک (۱۳۹۲). تهدید حیثیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- [۱۲]. خالقی، علی؛ و رجب؛ محمدعلی (۱۳۹۲). «تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی (مطالعه تطبیقی)»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان*، دوره چهارم، ش ۱.
- [۱۳]. رزمجو، علی (۱۳۹۳). مبنای جرم‌انگاری در فقه اسلامی و حقوق موضوعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

- [۱۴]. رضایی، عبدالرضا (۱۳۸۹). بررسی مبانی جرم‌انگاری جرائم مانع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز.
- [۱۵]. رضوانی، سودابه (۱۳۹۶). مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، تهران: میزان.
- [۱۶]. شاکری، ابوالحسن؛ و فتحی، مرتضی (۱۳۹۲). «از اصل قانونمندی حقوق کیفری تا آیین‌نامه‌ای شدن آن؛ بررسی آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق علوم و سیاسی، دوره ۴۳، ش ۴.
- [۱۷]. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳). جنایات علیه اشخاص، چ بیستم، تهران: میزان.
- [۱۸]. صادقی، محمدهادی و جودکی، بهزاد (۱۳۹۵). «تحقق سنجی امکان وقوع قتل نفس به واسطه ترک فعل»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۴، ش ۱۵.
- [۱۹]. طیبی، مرتضی؛ و اطهری، مهرداد (۱۳۹۵). «جرائم ناقص: واکاوی سازگاری آموزه‌های فقهی و حقوقی»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، ش ۲.
- [۲۰]. عبداللهی، اسماعیل (۱۳۹۳). مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، خرسندی.
- [۲۱]. غلامی، حسین (۱۳۸۱). «پیش‌بینی جرم»، مجله الهیات و حقوق، ش ۶.
- [۲۲]. فاخری، نریمان؛ و عباسی، حسام (۱۳۹۰). «بررسی مبانی جرم‌انگاری جرائم مانع در حوزه حقوق کیفری ایران»، مجله عدالت‌آرا، ش ۱۵ و ۱۶.
- [۲۳]. فرهودی‌نیا، حسن (۱۳۸۱). جرائم ناقص (بررسی تطبیقی). چ اول، تبریز: فروزش.
- [۲۴]. فریدونی، مصطفی (۱۳۹۲). قصد تبعی (غیرمستقیم) در حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- [۲۵]. فضل‌اللهی، سولماز (۱۳۹۰). حقوق اطفال در معرض خطر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- [۲۶]. قماش، سعید (۱۳۸۹). «بنیادهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری نوین»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال هفتم، ش ۲۴.
- [۲۷]. کاله اولوآ، ژان؛ و آنری، تامپل (۱۳۹۳). حقوق مصرف، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
- [۲۸]. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). جهان ره‌اشده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، علم و ادب.

- [۲۹]. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵). *جهان لغزنده است (جهانی شدن چگونه دنیای ما را شکل می‌دهد؟)*، ترجمه علی عطاران، پارسه.
- [۳۰]. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶). «مبنای فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود»، *فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، سال ۳۷، ش ۱.
- [۳۱]. مجیدی، سیدمحمود (۱۳۹۶). «راهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره هشتم، ش ۱، (شماره پیاپی ۱۵).
- [۳۲]. محمدخانی، عباس (۱۳۹۵). *عنصر روانی جرم، کلیات عنصر روانی - عنصر روانی جرائم عمدی*، ج اول، تهران: میزان.
- [۳۳]. مک‌مالین، کوین (۱۳۹۶). *حق بر غذا (حقوق ناظر به مواد غذایی)*، ترجمه سودابه رضوانی و محبوبه منفرد، تهران: میزان.
- [۳۴]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۴). *دانش مخاطرات (برای زندگی با کیفیت بهتر)*، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳۵]. نجات، سید امین؛ و دبیری، فرهاد (۱۳۹۴). «بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ (۹۱۴) قانون مجازات اسلامی»، *فصلنامه مطالعات حقوقی*، دوره هفتم، ش ۲.
- [۳۶]. وهابی توچائی، مجتبی (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی عنصر روانی جرائم غیرعمدی در حقوق ایران و نظام کامن‌لا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان.
- [۳۷]. هرینگ، جاناتان (۱۳۹۶). *حقوق کیفری؛ مفاهیم اساسی*، ترجمه کیومرث کلانتری و دیگران، تهران: میزان.
- [۳۸]. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۳). «بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال هشتم، ش ۳۱.
- [39]. Hannah-Moffatt, K. (2005) "Criminogenic needs and the transformative risk subject", *Punishment and Society*, 7: PP: 29-51